

## نگاهی به گذشته‌ها با کمک باستان‌شناسی

مردم در پنج هزار سال پیش چگونه زندگی می‌کرده‌اند

متأسفانه جنگ و کینه و دشمنی در آن ایام بسیار قدیم نیز وجود داشت ، و شاید از حال حاضر شدیدتر هم بود . «دو ساززک» دانشمند فرانسوی ، که در سال ۱۹۰۱ وفات یافت ، قنسول فرانسه در بصره بود ، و در سال ۱۸۷۷ در محفل موسوم به «تلو» ، در کنار فرات مشغول کاوش شد . وی در آن محفل آثاری بدست آورد ، و ما امروز یکی از آن آثار را به خوانندگان معرفی می‌نماییم .

«دوسارزک» قطعات شکسته ای از سنگ منقشی بدست آورد ، و پس از اینکه آنها را در کنار هم گذاشت ، توانست قسمتی از «سنگ یادگار» مربوط به یکی از پادشاهان محلی پنج هزار سال پیش را بدست آورد ، که روی آن با افتخار آن پادشاه بر دشمنانش نقوش بسیار جالبی کنده شده بود . این نقش که تحت نام «سنگ یادگار لاشخورها» معروف شده ، امروز در موزه لور است

پادشاه «تلو» در این سنگ نشان می‌دهد چگونه بر دشمنانش پیروز شده ، چگونه خدای او آن دشمنان را در دام انداخته ، و چگونه لاشخورها جسد دشمنانش را طعمه خود قرار داده‌اند پس از مطالعه این نقش نفرت و انزجار مخصوصی به ما دست می‌دهد ، ولی این مطالعه ما را به بسیاری از مطالب روشن می‌سازد .

عکس شماره یک پادشاه «تلو» را نشان می‌دهد که در مقابل سربازانش پیش می‌رود . قبایی از پوست گوسفند بر دوش انداخته ، ولی دست راستش آزاد و برهنه است . سلاحی در دست دارد شبیه به ترکه‌های چوب، یا چیز دیگری که به وسیله ایافی بهم بسته شده . آیا واقعاً سلاح جنگی ، یا نشانه ای از قدرت سلطنت است . کلاه خودی از چرم بر سر دارد، که تمام سر و پیشانی و گوشها و گردن او را در مقابل ضربات پوشانده است . در پشت سر او نیزه‌داران با نظم مخصوصی در حرکت‌اند همه کلاه خود بر سر دارند ، و با دو دست نیزه‌هایشان را محکم گرفته جلو می‌روند

در میان فاصله هر نیزه دار با نیزه دار دیگر سربازی سپر بزرگ مستطیل شکل را طوری در دست گرفته ، که سربازان را در مقابل پیکانهای دشمن یا نیزه‌هایشان حفظ کند و سربازان در پناه دیوار محکمی که به این طریق به وجود آمده با نظم کامل پیش می‌روند ، و در زیر پاهایشان نقش دشمنان را لگد کوب می‌کنند .

نوشته هایی که در اطراف این نقش به خط سومری دیده می شود حکایت میکند چگونه سربازان بر دشمنان خود پیروزی یافته اند . آیا این دسته از سرباز که واحد فنا ناپذیری پیش می رود با بسیاری از دسته های نظامی در جنگ اخیر شباهت ندارد .

در قسمت پایین همین نقش باز پادشاه با همان لباس و همان وسایل جنگی بر ارابه ای سوار است (امروز می گفتیم بر زره پوشی سوار است) ، و در پشت سر او نیزه داران با نظم کامل در حرکتند . لباس نیزه داران مرکب از دامنی از پوست گوسفند است ، و قسمت بالای بدنشان برهنه است و در سمت راست ارابه پادشاه «تلو» تعدادی زوبین قرار داده شده ، که در موقع لزوم به طرف دشمن پرتاب خواهد شد . در عکس شماره ۲ نیزه دارانی که نعش دشمن را لگد کوب می کنند بهتر دیده می شوند، و دشمنان کاملاً برهنه و عریان در بیابان رها شده ، و به لاشخورها سپرده شده اند . عکس شماره ۳ نقش پادشاه پیروز را نشان می دهد . وی علامت قدرت را که به صورت تازیانه ایست در دست راست گرفته و مجسمه عقابی را که نشانه خدای «تلو» در روی زمین است در دست چپ دارد .

شاید به گفته آقای ذکاء این هم بیرق سومری هاست ، که پادشاه «تلو» شخصاً در دست گرفته است

عکس شماره ۴ دامی را که خدای شهر «تلو» گسترده و دشمنان را در آن انداخته نشان می دهد . دشمنان کاملاً عریانند این سنگ یادگار از پنج هزار سال پیش است و با چیزهای امروزی شباهت زیاد دارد . این خدمتی است که باستان شناس می کند تا ما را به جزئیات زندگی پنج هزار سال پیش و حتی پیش از آن آگاه می سازد . امروز خاک ایران اطلاعات بسیار از زمانهای گذشته در بر دارد ، و ما روی لاقط هفت هزار سال تاریخ خوابیده ایم . هر کلنگی که روی قبری زده می شود ممکن است ما را به بسیاری از مطالب ، از گذشته پدرانمان ، و از گذشته آنهایی که در این سرزمین پیش از پدران ما مسکن داشته اند ، در اختیارمان بگذارد . چون باید متوجه این نکته باشیم که پدران ما یعنی اقوام آریائی پارس و ماد ، در حدود ۳۲۰۰ سال پیش وارد این سرزمین شده اند ، ولی از حدود هفت هزار سال پیش مردمان دیگری در سرزمین فلات ایران مسکن داشته اند ، که مدارج مختلف ترقی و تمدن را پیموده و اجتماعات منظمی تشکیل داده بوده اند ، و در شهرها زندگی می کردند ، و قوانینی برای ایجاد نظم در اجتماع به وجود آورده بودند

آنچه که مسلم است ، قبایل پارسی ، و حتی پیش از آنها قبایل دیگر آریایی ، که از حدود چهار هزار سال پیش راه فلات ایران را یاد گرفته بودند ، دارای خصایص اجتماعی بالاتری از ساکنان بومی فلات ایران بوده اند . مثلاً شهرسازی و ساختن قلعه های مستحکم یکی از چیزهای تازه بود که پدران ما با خود آوردند . بعلاوه آنها کارشان نظم و ترتیب بیشتر داشت . مثلاً پیش از ورود آنها مردم فلات مردگان خود را زیر کف اطاقهایشان به خاک می سپردند ، و آریایی ها پس از تسلط بر اقوام بومی گورستانهایی در کنار شهرها بوجود آوردند ، و نمونه‌هایی از آن در تپه سیلک نزدیک کاشان ، و در شوش ، و در تپه حصار نزدیک دامغان ، و در بسیاری دیگر از نقاط تاریخی ایران در حال حاضر مشهود است .

پدران ما اسب را با خود به سرزمین فلات آوردند ، و چون از وجود آهن نیز اطلاع پیدا کرده بودند ، نیزه های بلند می ساختند که سر آنها از آهن بود ، و دشمنان در مقابل یورشهای سواره نظام آنها تاب مقاومت نداشتند . با اینحال بسیاری از عادات و رسوم مردم بومی در طرز زندگی مردم تازه وارد رسوخ کرد . «تلو» یکی از شهرهایی بود که پیش از ورود آریاییها قدرت قابل توجهی در کنار فرات پیدا کرده بود، و مردم آن سامی بودند ، و این مطلب گذشته از خط آنها ، که در نقش فوق دیده می شود ، از دماغ کج آنها نیز پیداست شاید هم سامی نبوده اند و از قوم یا نژاد دیگری بوده اند .

اگر خوانندگان علاقه داشته باشند به آنچه از زیر خاک ایران بیرون آمده و اطلاعاتی که در اثر پیدایش آنها به دست ما رسیده آگاهی یابند، در شماره های آینده پاره ای از این پیدایشها را عرضه خواهیم داشت، و ضمناً اضافه می شود که هنوز اطلاعات بسیار زیاد در زیر خاک ایران نهفته است، و بهتر است ما با آن آثار توجه بیشتر داشته باشیم، و با مقامات صلاحیت دار همکاری نماییم، تا طبق اصول علمی تحت مطالعه قرار گیرند، و دیگر حاضر نشویم مانند سابق باقیمانده های تاریخمان را به صورت غیر قانونی از زیر خاک بیرون آمده راه کشورهای خارجی را در پیش گیرد



شکل ۳ - پادشاه «تلو» علامت یا بیرق شهر را در دست دارد



شکل ۲ - سربازان «تلو» در حال حرکت



شکل ۱ - پیاده نظام لشکریان پادشاه «تلو»



شکل ۴ - دشمنان پادشاه «تلو» در دام

## نگاهی به گذشته‌ها با کمک باستانشناسی

در ضمن مقاله گذشته منظره‌ای از لشکر کشی «آناتوم» پادشاه شهر «لگش» بشهر «اوما» را که در مجاورت آن بود نشان دادیم. این واقعه مربوط بنیمه اول هزاره سوم، مثلاً در حدود ۲۷۰۰ سال پیش از میلاد مسیح بود. موضوع لشکرکشی و جنگ بین این دو شهر واقعه مهمی نیست که بتوان توجه ما را جلب کند. ولی اهمیت آن در این است که بما نشان می دهد که در حدود ۵۰۰۰ سال پیش عرابه های جنگی در لشکرکشیها بکار برده می شده و بدنبال عرابه های جنگی دسته های منظم و فشرده ای از سربازان با استفاده از «کاسک» (کلاه خود) و نیزه های بلند و سپرهای بزرگ برای سرکوبی دشمن پیش میرفته اند.

وجود چنین دسته های منظم نظامی و استفاده از این وسایل جنگی نشان درجه پیشرفت تمدن ساکنان آن نواحی میباشد. بعبارت دیگر در حدود ۵۰۰۰ سال پیش ناحیه سومر، که جلگه ای در حاشیه فلات ایران است، بآن درجه تمدن رسیده

بود که در جنگ‌های با همسایگان خود عرابه‌های جنگی و دسته‌های منظم نظامی با تجهیزات کامل از قبیل کاسک و نیزه‌های بلند و سپرهای بزرگ بکار میبرد.

در دورانهای بعد ساکنان شمال بین‌النهرین، (بابلیها و آشوریها)، که با مردم سومر اختلاف نژادی داشتند، از این وسایل و روشهای نظامی استفاده کرده، بر سومریها مسلط گردیدند.

برای تکمیل مطالب فوق در این شماره دو عکس از یک عرابه سومری که از «تل عقرب» نزدیک مرز ایران در عراق پیدا شده، و در موزه بغداد محفوظ میباشد، ارائه می‌دهیم (شکل‌های ۱ و ۲). این عرابه کوچک که نمونه‌ای از عرابه بزرگ معمول در آن زمان است در حدود ۵۰۰۰ سال پیش ساخته شده

عرابه مزبور فقط دو چرخ دارد، و چرخها، که از سه قطعه چوب ساخته شده، بوسیله قطعات برنز بهم متصل گردیده بودند.

چهار خر یا گور خر بعرابه بسته شده و مردی روی قسمت واقع میان دوچرخ ایستاده است و افسار حیوانات را در دست

دارد. وجود عرابه در این زمانهای بسیار قدیم نشان پیشرفت فوق‌العاده تمدن مردم سومر میباشد. در نقوش قدیمتر از

۳۰۰۰ سال پیش از میلاد اثری از عرابه نیست. بنا براین میتوان گفت در آن تاریخ عرابه و خط با هم در یک زمان اختراع

شده‌اند، و اهمیت این دو اختراع از تمام اختراعات بشر بالاتر است. در حقیقت اگر خط اختراع نشده بود

ما امروز بپایه تمدن کنونی نرسیده بودیم و بهمین طریق اختراع چرخ و استفاده از آن برای کشش بمنزله پدر بزرگ

اتومبیلها ی سواری امروز است.

تنها در شهر «لگش» استفاده از عرابه نمیشد. در شهر «اور» نیز آثاری مربوط بعرابه و متعلق به ۳۰۰۰ سال پیش از

میلاد پیدا شده. «اور» از بصره زیاد دور نیست، و در روی فرات قرار دارد، و امروز تحت نام «مقیر» شناخته می‌شود

عکس شماره ۳ قسمتی از مال بند به عرابه ایرا نشان می‌دهد که در «اور» پیدا شده و در موزه بریتانیا در لندن محفوظ

است. از دو حلقه‌ایکه مشاهده میشود افسار حیوانها عبور می‌کرده و حلقه سمت راست متعلق بافسار سمت راست بوده و

از حلقه سمت چپ افسار می‌گذشته است. در بالای این حلقه‌ها، بیرای زینت، خری را مجسم کرده‌اند و از یال و پوزه و

خصوصاً از گوشهای این حیوان کاملاً پیداست که خر یا گورخر است. گاهی خدایان نیز بر عرابه سوار می‌شدند. مثلاً در

مجموعه «پیرپون مورگان» مهر استوانه‌ای شکلی است که در نیمه دوم هزاره سوم یعنی در حدود ۲۲۵۰ سال پیش از

میلاد ساخته شده. (شکل ۴) و خدای رعد و برق را نشان می دهد که بر عرابه چهار چرخه ای سوار است و شیر بالداري عرابه را در آسمان میبرد

رب النوع کلاه چهار شاخی بر سر دارد. کلاه خدایان درجه دوم سه زوج شاخ بر کلاهشان دیده میشود. وقتی پادشاهی قدرت خدائی میدادند بکلاه او یک جفت شاخ اضافه می کردند. رب النوع فوق الذکر با دست راست افسار شیر را گرفته و با دست چپ احتمالاً شلاقی را روی هوا میچرخاند. روی شانهای شیر ربه النوع برهنه‌ای ایستاده، از دو دست او اشعه منکسر برق پراکنده میشود، و باین ترتیب رب النوع مذکور در آسمان، با صدای مهیبی که از گردش چرخهای عرابه اش شنیده می شود و با اشعه نورانی که ربه النوع همکارش میپراکند حرکت می نماید و باران و فراوانی نثار مردم روی زمین مینماید، زیرا در کنار علامتی که نشان دیوار شهر است، شخصی که احتمالاً صدر روحانیان است ظرف آبی را که تبرک یافته در دست دارد و بزمین می پاشند. باین طریق مردم سومر در حدود ۴۵۰۰ سال پیش عقاید و افکار خود را روی مهره استوانه ای شکلی نقره کرده اند (همانطوریکه امروز مقابل جلو خان مسجد شاه مهر می کنند) و اما امروز از آن عقاید اطلاع پیدا می کنیم. این مهره های استوانه ای شکل بجای نشان اشخاص بود، و از سرتاسر سوراخی که در میان آن بود نخی عبور میدادند، و باین طریق مهره را بگردن خود آویزان می کردند تا خدایانی که روی آن نقش شده بود همواره حافظ جان آنها باشند، و اگر آن مهره را روی قطعه ای از گل نرم میچرخاندند، نقشی که در شکل ۵ مشاهده میشود بصورت برجسته بوجود میآید. امروز معنی و مفهوم بسیاری از این نقوش برای ما نامعلوم است، ولی بسیاری از آنها نیز برای ما روشن گردیده

اینها همه نشانی از درجه تمدن مردم سومر در آن زمان بوده است. سومریها قومی آریائی بوده اند و از کوههای مغرب ایران به جلگه‌های حاصلخیز میان دو نهر دجله و فرات سرازیر شده بودند. پیش از اینکه وارد جلگه شوند کارشان گله داری در کوههای مزبور بود، و پس از استقرار در جلگه و تشکیل جمعیت‌های متمرکز و ایجاد زمینهای زراعتی و شهرها و آبادیها، یادگار ایامی را که در کوهستان بسر می بردند از خاطر نبردند، و چون خدایان را در قلل کوهها میدانستند، وقتی در جلگه مستقر شدند، معابد هفت طبقه ای با آجر و خشت بر پا نمودند، و در آخرین طبقه آن مجسمه خداوند را قرار دادند، و روی ظرف سفالینی که در شوش پیدا شده (شکل ۵) و متعلق بحدود ۵۰۰۰ یا ۵۵۰۰ سال پیش از میلاد است،

معابد چند طبقه «زیگورات» نشان داده شده. در گوشه دیگر همین ظرف عرابه ای دیده می شود که چهار چرخ دارد و گاوی آنرا می کشد و باین طریق قدمت عرابه در سومر احتمالاً به ۵۵۰۰ سال پیش میرسد. در آن تاریخ عرابه در سومر احتمالاً به ۵۵۰۰ سال پیش میرسد. در آن تاریخ عرابه با گاو کشیده میشده

مهر استوانه ای شکل دیگری در موزه بریتانیا در لندن محفوظ است، و متعلق باواخر هزاره سوم، یعنی حدود ۲۲۰۰ سال پیش از میلاد است. (شکل ۶) این مهر استوانه ای شکل (که عقیقه فروشان آنرا لول می نامند) آدم و حوا را در بهشت نشان می دهد. آدم و حوا هر کدام روی چهار پایه ای نشسته اند.

آدم و حوا مانند فرشتگان یک زوج شاخ دارد. در پشت حوا شیطان بصورت ماری دیده میشود. درخت خرمائی در میان آن دو قرار دارد، و این مهر استوانه ای شکل قدمت خلقت بشر را به ۵۰۰۰ سال پیش می رساند، در حالیکه طبق تحقیقات دانشمندان در رشته های مختلف علوم، خلقت انسان لاقلاً تا دو میلیارد سال پیش بالا می رود.

برای پایان دادن به این گفتار از میان تعداد زیاد مجسمه هایی که بر نواحی مختلف سومر پیدا شده، یکی را انتخاب نموده، معرفی می نمایم. (شکل ۷)

محل پیدایش این نقش «تل اسمار» است، که نام قدیم آن «آشنوناک» بوده است، و در کنار دجله نزدیک سرحد ایران واقع است. این مجسمه سنگی کوچک متعلق به حدود ۵۰۰۰ سال پیش است، و یکی از مردم آن زمان را نشان میدهد که در مقابل خداوند دستهای خود را بر سینه نهاده، ظرفی در دست دارد. در این ظرف مایع متبرکی بوده، و از نگاه این مرد خواهش و تمنا از خداوندش تراوش می نماید. موهای سر و ریشش را به طرز مخصوصی آرایش داده، و این طور به نظر می رسد که واقعاً مرد متمدن و متواضع و فهمیده ای است.



شکل ۵) ظرف سفالین مکشوف در شوش متعلق به حدود ۳۰۰۰ سال پیش از میلاد. در روی

این ظرف معابد چند طبقه (زیگورات) و عرابه چهار چرخه که بوسیله گاوی کشیده می شود نشان داده شده است



شکل ۶: نقش مهر استوانه ای شکل بر روی گل متعلق به ۵۰۰۰ سال پیش. موزه بریتانیا - آدم

و حوا در بهشت و شیطان بصورت مار در پشت حوا



شکل ۴: اثر مهر استوانه ای شکل بر روی گل متعلق به ۵۰۰۰ سال پیش، از مجموعه

«پی یرپون مورگان» در نیویورک خداوند رعد و برق در آسمان بر عرابه های سوار شیر بالدار عرابه را می کشد



عکس ۳) قسمتی از مال بند عرابه با پیکر برنزی خر یا گور خر که محل قدیمی «اور» نزدیک

بصره پیدا شده و متعلق به حدود ۵۰۰۰ سال پیش است. موزه بریتانیا



شکل ۲) عرابه برنزی که در شکل یک نشان داده شده است در اینجا از زاویه دیگری

عکسبرداری شده



(شکل ۱) عرابه برنزی متعلق به ۵۰۰۰ سال پیش که در تل عقرب نزدیک شهر بغداد پیدا

شده و در موزه بغداد محفوظ است



(شکل ۷) : یک مرد سومری در حال عبادت. مکشوف از تل اسمار نزدیک بغداد متعلق به ۵۰۰۰ سال پیش